

تحول جایگاه جرم سیاسی در نظام حقوقی ایران بعد از انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

علی محمدی جورکویه*

چکیده

«جرم سیاسی» اصطلاحی در حقوق مدرن است که در برابر جرم عادی بکار می‌رود و دو روش برای بازشناسی آن از جرائم عادی وجود دارد: «روش احصا» و «روش ضابطه». در روش اخیر، سه ضابطه مهم وجود دارد؛ ضابطه ذهنی، عینی و تلفیقی. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به جرائم سیاسی و مطبوعاتی اختصاص یافت که قانون‌گذار عادی را موظف به تعریف جرم سیاسی و نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیئت‌منصفه کرد. به دنبال این تکلیف قانونی و تلاش‌های مکرر صورت گرفته توسط مراکز علمی و سازمان‌ها و نهادهای مختلف، در سال ۱۳۹۵ قانون جرم سیاسی تصویب گردید. در فقه اسلامی نزدیکترین عنوان به جرم سیاسی که در حقوق

* استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

amg۱۳۴۳۲۵@yahoo.com

مدرن مطرح شده جرم «بغی» است. از نظر تعریف بین جرم بغی و جرم سیاسی تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد. اما در این که بغی مصداقی از جرم سیاسی به مفهوم امروزی باشد تردیدی نیست. هرچند به نظر می‌رسد قانون‌گذار در قانون سال ۱۳۹۲ رویه تفکیک بین جرم سیاسی و بغی را در پیش گرفته است که این رویه قابل نقد است.

واژگان کلیدی: جرم سیاسی، بغی، انگیزه شرافتمندانه، تأویل، رژیم ارفاقی.

الف) مقدمه

اصطلاح «جرم سیاسی» از قرن نوزدهم میلادی وارد قوانین جزایی کشورها شد و تغییر نگرش به مجرمان سیاسی را در پی داشت. این رویکرد، امتیازاتی با عنوان «رژیم ارفاقی» برای آنان به همراه داشت؛ ولی به علت جامع و مانع نبودن تعریف جرم سیاسی در عرف بین‌الملل، پس از گذشت نزدیک به یک قرن از این تحول، برای پیش‌گیری از سوءاستفاده مجرمان حرفه‌ای، دایره شمول جرم سیاسی محدود گردید و جرم‌هایی مانند جاسوسی، خیانت به کشور و تروریسم دست‌کم از مزایای جرم سیاسی بی‌بهره شدند.

امروزه همه دولت‌ها لزوم تفکیک جرائم سیاسی از جرائم عادی و برقراری رژیم ارفاقی نسبت به مجرمان سیاسی را پذیرفته‌اند. اما سؤال اساسی این است که چگونه می‌توان جرائم سیاسی را از جرائم عادی



بازشناخت. این پرسش موجب شد حقوق‌دانان برای تشخیص جرائم سیاسی از جرائم عادی، نظریه‌های مختلفی ارائه کنند. هدف این است که بدانیم حقوق ایران از زمان راهمایی این اصطلاح در ادبیات حقوقی، چه موضعی در قبال آن اتخاذ کرده و این موضع‌گیری بر کدام مبنا استوار است.

فقه جزایی اسلام از چهارده قرن پیش، با تفکیک جرم‌های عادی از جرائم ضدحکومت تحت عنوان بغی، واکنش خاصی نسبت به آن نشان داده و امتیازهایی برای این مجرمان در نظر گرفته است. این جرائم چه رابطه‌ای با جرم سیاسی می‌توانند داشته باشند؟ با توجه به اینکه قوانین جمهوری اسلامی ایران بر پایه فقه امامیه بنا شده است، برای رسیدن به نظر شرع مقدس در این باره، باید به مباحثی مانند «جرم بغی» از حیث ماهیت، شرایط و مجازات آن در فقه جزایی اسلامی پرداخته شود. از این رو ما در این نوشتار در چهل‌سالگی انقلاب اسلامی درصدد مطالعه تحول جایگاه جرم سیاسی در نظام حقوقی ایران بعد از انقلاب اسلامی هستیم؛ لیکن پیش از آن مختصری درباره تفکیک جرم سیاسی از دیگر جرائم، ضرورت و روش آن، قلم خواهیم زد.

ب) تفکیک جرم سیاسی، میانی، روش و آثار آن

برای نخستین بار، قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه، معروف به قانون جزای ناپلئونی، جرائم سیاسی و جرائم عادی را تفکیک کرد؛ ولی نه برای برخورد مناسب‌تر با مجرمان سیاسی نسبت به مجرمان عادی، بلکه برای

واکنش خشن‌تر در برابر ارتکاب جرائم سیاسی؛ زیرا هنوز دیدگاه غالب در باره جرم سیاسی، آن را ضداجتماعی می‌دید و مجرمان سیاسی، خطرناکترین دشمن اجتماع به شمار می‌آمدند.

پس از گذشت دو دهه از قرن نوزدهم میلادی و رشد و ترویج افکار لیبرالیستی، به‌تدریج دیدگاه جامعه تغییر کرد و در نتیجه با دیده احترام به مجرمان سیاسی نگریسته شد. در این تحول، بیش‌ترین سهم را *فرانسوا گیزو* «François Guizot» داشت. او در دو کتاب‌های *دسیسه‌گران و عدالت سیاسی* و *مجازات اعدام در جرائم سیاسی* — که در سال‌های ۱۸۲۱ و ۱۸۲۲ میلادی نوشت — این نظریه را ارائه کرد که مجازات شدید مانند اعدام، درباره مجرمان سیاسی اثربخش نیست. از دیگر تلاش‌گران این عرصه *رافائل گاروفالو* «Raffaele Garofalo» است که جرم سیاسی را جرم مصنوعی و مجرم سیاسی را شبه‌مجرم می‌داند و *چزاره لومبروزو* «Cesare Lombroso» و *لاشی* «Lashi» که اظهار می‌کنند: مجرمان سیاسی به‌مراتب از کسانی که آنها را محاکمه می‌کنند، محبوب‌ترند.

برای نخستین بار در سال ۱۸۳۰ قانون‌گذار فرانسه با وضع مقرراتی، صلاحیت رسیدگی به جنحه سیاسی را از دادگاه‌های شهرستان به محاکم استان منتقل کرد و با تصویب قانون ۲۸ آوریل ۱۸۳۲ برای اولین بار مجازات جرائم سیاسی در فرانسه نسبت به جرائم عادی ملایم‌تر شد و سرانجام قانون اساسی ۱۸۴۸ فرانسه، مجازات اعدام در جرائم سیاسی را حذف کرد.

پس از گذشت حدود یک قرن از اعمال رژیم ارفاقی درباره مجرمان سیاسی، دو عامل موجب بروز نوعی دگرگونی دوباره در نگرش به جرم سیاسی شد: از طرفی، کاستی‌هایی در درون رژیم ارفاقی آشکار شد؛ خائنان به مملکت، جاسوسان، تروریست‌ها و آنارشیست‌ها، فجیع‌ترین و زشت‌ترین جرائم را با سوءاستفاده از رژیم ارفاقی در جرم سیاسی مرتکب می‌شدند. از سوی دیگر، در پایان جنگ جهانی اول رژیم‌های فاشیست در آلمان و ایتالیا و رژیم سوسیالیست در شوروی ظهور کردند که حفظ حیات خود را در برخورد شدید با مخالفان می‌دیدند. بنابراین، به‌تدریج اعمال رژیم ارفاقی در برخی جرائم سیاسی لغو شد.

۱. مبانی تفکیک

درباره چرایی تفکیک جرائم سیاسی از جرائم عادی دو مینا را به ترتیب اهمیت‌شان می‌توان بیان کرد:

۱-۱. ناشی‌شدن جرم سیاسی از اندیشه اصلاحی

مهم‌ترین تفاوت مجرمان سیاسی با دیگر مجرمان، اندیشه اصلاحی آنان و به بیان دیگر، وجود اهداف متعالی و غیرشخصی در آنان است. مجرمان سیاسی دست‌کم به گمان خودشان— دارای انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم هستند. از این رو، فرق است میان آنها و افرادی که برای ارضای خودخواهی و زیاده‌های خود به سرقت، کلاهبرداری، قتل و... دست

می‌زنند. هرچند ممکن است برخی از آن، سوءاستفاده کنند، اما باید راه سوءاستفاده را بست. حتی اگر برخی از این مجرمان در تشخیص خود اشتباه کنند، باز هم قابل مقایسه با مجرمان عادی نیستند. این انگیزه شرافتمدانه سبب شد تا اندیشمندان حقوق و قانون‌گذاران، مجرمان را به‌صورت جدیدی تقسیم‌بندی کنند. آنان را بر آن داشت تفکیک میان مجرمان سیاسی و مجرمان غیرسیاسی را به رسمیت بشناسند و برخوردی متناسب با شأن آنها در پیش گیرند.

۱-۲. نسبی بودن جرم سیاسی

جرم سیاسی ماهیتی متفاوت از سایر جرائم دارد و تا زمانی جرم است که نظام سیاسی حاکم پابرجا است و پس از آن کاملاً ماهیتش عوض می‌شود؛ یعنی عملی که تا دیروز جرم بوده امروز یک ضرورت برای نجات جامعه تلقی می‌شود و مجرم دیروز، قهرمان ملی امروز خوانده می‌شود و این بر خلاف جرائمی نظیر خیانت در امانت، اختلاس و دیگر جرائم عادی است که ارتباط چندانی با رژیم سیاسی حاکم ندارد. به همین دلیل از نظر لمبروزو جرم سیاسی تنها برای اینکه از زمانش سبقت گرفته و کسی که مرتکب آن می‌شود، در پیشرفت حیات سیاسی - اجتماعی تعجیل کرده است، جرم است. انریکو فری (Enrico Ferri) از جرم سیاسی به جرم موهوم تعبیر می‌کند (الفاضل، ۱۹۶۲، ص ۱۳). چه بسا رفتارهایی که زمانی جرم بود و کسانی که برای تحقق آن تلاش می‌کردند مجرم سیاسی



تلقی می‌شدند، اما پس از مدتی به واقعیت‌های نظامی، سیاسی و اجتماعی یا اقتصادی تبدیل گشتند. بنابراین پس‌نموده نیست با جرمی که از ثبات برخوردار نیست و جرم بودنش به بقای رژیم سیاسی حاکم وابسته است، مانند یک جرم عادی برخورد شود. با مجرم سیاسی (مجرم امروز و احتمالاً قهرمان فردا) نباید همان‌گونه رفتار شود که با یک سارق یا یک قاتل رفتار می‌شود و باید بین این دو گروه از جرائم فرق گذاشت و مجازات آنها را متفاوت در نظر گرفت.

۲. روش تشخیص جرم سیاسی

به‌طور کلی، دو روش برای بازشناسی جرم سیاسی از دیگر جرائم وجود دارد. این دو روش «روش احصا» و «روش ضابطه» نام دارند.

۲-۱. روش احصا

در این روش، قانون‌گذار با برشمردن تعدادی از جرائم به نام جرم سیاسی، آنها را از جرائم دیگر جدا می‌کند. برای نمونه، قانون ۸ اکتبر ۱۸۳۰ فرانسه از این روش بهره گرفته است. بزرگترین حسن این روش، جدایی دقیق و روشن جرائم سیاسی از جرائم عادی است که کار مراجع قضایی را سهل و آسان و قضات را از سردرگمی، رها و از برخوردهای دوگانه آنها جلوگیری می‌کند؛ ولی مهم‌ترین عیب آن، عدم جامعیت و مانعیت است.

۲-۲. روش ضابطه

در این روش با تعریف جرم سیاسی، راه شناسایی آن از جرائم عادی فراهم می‌شود و مانند یک قاعده کلی می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد. هر جرمی که مشمول این قاعده شود، جزء جرائم سیاسی خواهد بود. در بسیاری از قوانین مانند قانون سال ۱۹۲۷ فرانسه درباره استرداد مجرمان از این روش پیروی شده است. امتیاز این روش، ماندگاری و انعطاف‌پذیری آن است؛ ولی عیب آن، مشکل تطبیق تعریف بر مصادیق و اختلاف در برداشت‌ها و سرانجام برخوردهای متعارض از سوی محاکم است. مهم‌تر از این، دشواری ارائه یک ضابطه دقیق و اتفاقی است. بر این اساس نظریه‌های مختلف برای تشخیص جرم سیاسی پیشنهاد شده است.

۲-۲-۱. نظریه ذهنی (Theory subjective)

بر اساس این نظریه برای شناخت جرائم سیاسی از جرائم عادی، باید به «شخص مجرم» توجه کرد و انگیزه او را از ارتکاب جرم به دست آورد؛ چنانچه انگیزه ارتکاب جرم، مخالفت با نظام سیاسی حاکم و هدفش صدمه‌زدن به منافع آن باشد، جرم ارتكابی، سیاسی است؛ خواه صدمه آن به‌طور مستقیم به حکومت وارد شود یا اینکه در راستای مبارزه با نظام سیاسی حاکم باشد. در این تعریف چنانچه ارتکاب جرم برای ارضای حس

۱. این نظریه نظریه شخصی، درونی و درونی ذاتی نیز نامیده می‌شود.



خودخواهی یا جاه‌طلبی و انتقام شخصی مجرم باشد، جرم عادی خواهد بود؛ هرچند که جرم، حکومت و منافع آن را نشانه رفته باشد. مانند کشتن رئیس‌جمهور برای تسویه حساب شخصی.

۲-۲-۲. نظریه عینی (Theory objective)

بر پایه این نظریه، چنانچه جرم ارتكابی دارای طبع و آثار سیاسی باشد، جرم سیاسی خواهد بود. از این‌رو، تعرض مجرمانه و مستقیم نسبت به رژیم سیاسی حاکم، ارکان، تشکیلات، اعضا و منافع سیاسی آن و تعرض به حقوق و آزادی‌های سیاسی افراد جامعه، جرم سیاسی به شمار می‌آید.

۲-۲-۳. نظریه تلفیقی (Theory eclectic)

بر پایه این نظریه، عملی جرم سیاسی به شمار می‌آید که دارای دو شرط زیر باشد: نخست آنکه جرم ارتكابی، دارای ماهیت و آثار سیاسی باشد؛ یعنی به‌طور مستقیم منافع سیاسی حکومت یا حقوق و آزادی‌های سیاسی افراد را مورد تعرض قرار دهد. دوم آنکه انگیزه مجرم برای ارتكاب جرم، سیاسی باشد.

این نظریه نسبت به نظریه‌های دیگر موجه‌تر به نظر می‌رسد، زیرا با

۱. از این نظریه به نظریه بیرونی، برون ذاتی و موضوعی نیز تعبیر می‌شود.
 ۲. از این نظریه با تعبیرهای دیگری مانند «نظریه مرکب» و «نظریه مختلط» نیز سخن به میان آمده است.

اعمال آن جرائمی که موضوع آنها دارای ماهیت سیاسی است، ولی مرتکب آن، انگیزه سیاسی ندارد، سیاسی به شمار نمی‌آیند. همچنین از سیاسی دیده شدن جرائم عادی با انگیزه سیاسی، جلوگیری می‌شود.

۳. آثار تفکیک جرم سیاسی از جرم عادی

تفکیک جرم سیاسی از جرم عادی به منظور برقراری رژیم ارفاقی در برخورد با مجرمین سیاسی صورت می‌گیرد که در دو بخش حقوق کیفری شکلی و حقوق ماهوی است. نتیجه برقراری رژیم ارفاقی در بخش حقوق کیفری شکلی را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

— قراردادن رسیدگی به جرم سیاسی در صلاحیت دادگاه عمومی نه اختصاصی

- رسیدگی با حضور هیئت منصفه

- علنی بودن رسیدگی، عدم پذیرش استرداد

- پذیرش پناهندگی، معافیت از مقررات جرائم مشهود.

در بخش حقوق کیفری ماهوی نیز آثار برقراری رژیم ارفاقی عبارت است از:

- لغو مجازات اعدام در این جرائم

- عدم اعمال مقررات تکرار جرم

- امکان بهره‌برداری بیشتر از عفو

— سریع‌تر بودن زمان اعاده حیثیت و برخورداری از یک سری حقوق بیشتر نسبت مجرمان عادی مانند عدم اجبار به پوشیدن لباس زندان،

بهرمندی از کتب و نشریات و....

گفتنی است حقوق مذکور در نظام‌های مختلف کیفری ممکن است متفاوت باشد.

۱۷



ج) وضعیت جرم سیاسی در نظام حقوقی ایران پیش از انقلاب اسلامی

۱. در قانون اساسی

پس از پذیرش قانون اساسی مشروطه توسط مظفرالدین شاه قاجار در مرداد ۱۲۸۵، نخستین مجلس ملی در پانزدهم مهر ۱۲۸۵ افتتاح شد و نخستین قانون اساسی ایران در آن سال و متمم آن در سال ۱۲۸۶ تصویب شد. در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه آمده بود: «در موارد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات، هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود». اصل ۷۷ آن نیز اصل را بر علنی بودن محاکمات می‌گذارد و اعلام می‌دارد: «در ماده تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد، باید به اتفاق آرای جمیع اعضای محکمه بشود».

۲. در قانون عادی

در دوران حکومت پهلوی در برخی قوانین و مقررات، امتیازاتی به شرح زیر در باره جرم و مجرمان سیاسی در نظر گرفته شد.

۲-۱. قوانین و مقررات مرتبط

این قوانین و مقررات عبارت‌اند از:

۱. قانون مجازات عمومی: مواد ۲۶، ۵۵، ۵۶، ۵۷ و ۵۸
۲. قانون ماده واحده راجع به عفو مجرمان سیاسی، مصوب ۱۳۲۷/۵/۲۶
۳. قرارداد استرداد مجرمان میان ایران و فرانسه
۴. قرارداد استرداد مقصران و تعاون قضایی در امور جزایی میان ایران و ترکیه
۵. قرارداد استرداد میان ایران و پاکستان
۶. قانون استرداد مجرمان، مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴
۷. قانون محاکمه وزرا مصوب ۱۶ و ۲۰ تیر ۱۳۰۷

۲-۲. امتیازات در نظر گرفته‌شده

- امتیازات در نظر گرفته‌شده در قوانین و مقررات فوق عبارت‌اند از:
- عدم اجرای مقررات تکرار جرم درباره جرائم سیاسی (ماده ۲۶ ق. م. ع).^۱
 - استثنای مجرمان سیاسی از مقررات راجع به کار اجباری محکومان

۱. در ماده ۲۶ قانون مجازات عمومی سابق آمده است: «احکام تکرار جرم درباره اشخاصی که به علت ارتکاب جرم سیاسی محکوم شده‌اند، جاری نخواهد شد».

به حبس‌های جنایی (ماده ۵۴ ق. م. ع.)^۱.

- کوتاه‌تر بودن زمان اعاده حیثیت در جرائم سیاسی نسبت به جرائم عادی (ماده ۵۸ ق. م. ع.) بر اساس ماده ۵۷ ق. م. ع. مدت اعاده حیثیت در حبس جنح‌های، گذشت پنج سال و در حبس جنایی ده سال از تاریخ اتمام مجازات یادشده یا مشمول مرور زمان بود^۲، ولی برابر ماده ۵۸ ق. م. ع. این مدت در جرائم سیاسی، به ترتیب یک و پنج سال بود؛

د) اجرا نشدن مقررات استرداد درباره مجرمان سیاسی؛ (قراردادهای استرداد و ماده ۸ قانون استرداد)

عدم استرداد مجرمان سیاسی در ماده ۴ قرارداد استرداد مجرمان میان

۱. ماده ۵۴ قانون مجازات عمومی سابق در این باره مقرر می‌دارد: «محکومان به حبس‌های جنایی در جرایم غیر سیاسی در داخل زندان به کار گمارده می‌شوند...» مفهوم این ماده این است که مجرمان سیاسی محکوم به حبس‌های جنایی به کار گماره نمی‌شوند.
۲. قانون مجازات عمومی
۳. ماده ۵۸ مقرر می‌دارد: «درمورد جرایم عمدی، کسانی که به حبس جنح‌های محکوم می‌شوند، ظرف پنج سال و کسانی که به حبس جنایی محکوم می‌شوند، ظرف ده سال از تاریخ اتمام مجازات مذکور یا مشمول مرور زمان در صورتی که محکومیت به جنایت و جنحه مؤثر جدیدی نداشته باشند به اعاده حیثیت نائل می‌شوند...».
۴. در ماده ۵۸ آمده است: «درمورد جرایم سیاسی، کسانی که به مجازات جنح‌های محکوم می‌شوند، ظرف یک سال و کسانی که به مجازات جنایی محکوم می‌شوند، ظرف پنج سال از تاریخ اتمام مجازات حبس یا مشمول مرور زمان در صورتی که محکومتی به جنایت و جنحه مؤثر جدیدی نداشته باشند، به اعاده حیثیت نائل می‌گردند...».

ایران و فرانسه، قرارداد استرداد مقصران و تعاون قضایی در امور جزایی میان ایران و ترکیه، قرارداد میان ایران و پاکستان و سرانجام در ماده ۸ قانون استرداد مجرمان، مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴ پیش‌بینی شده است.

ه) امکان بهره‌مندی از عفو عمومی و خصوصی (ماده ۵۵ و ۵۶ ق.م.ع.)

بر اساس مواد ۵۴ و ۵۵ ق.م.ع. مصوب ۱۳۰۴ امکان برخورداری مجرمان از عفو وجود داشت که این مواد با اصلاحاتی در تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۲ به ترتیب در مواد ۵۵ و ۵۶ ق.م.ع. قرار گرفت. ماده ۵۵ امکان برخورداری مجرمان از جمله مجرمان سیاسی از عفو عمومی را بیان می‌کند و ماده ۵۶ از امکان عفو تمام یا قسمتی از مجازات محکومان جرائم سیاسی توسط شخص شاه سخن می‌گفت و تبصره آن، شامل جواز شمول عفو خصوصی نسبت به مجازات تبعی و تکمیلی در جرائم سیاسی

۱. ماده ۵۵:

«عفو عمومی که به موجب قانون مخصوص اعطا می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف و در صورت صدور حکم محکومت اجرا مجازات را متوقف و آثار محکومیت را زایل می‌کند...».

ماده ۵۶:

«درمورد جرایم سیاسی تمام یا قسمتی از مجازات و در دیگر جرایم مجازات محکومان به حکم قطعی به ترتیب زیر ممکن است مورد عفو ملوکانه قرار گیرد...».

تبصره: «در جرایم سیاسی عفو ملوکانه ممکن است شامل مجازات تبعی و تکمیلی هم باشد، ولی در سایر جرایم فقط مجازات اصلی مورد عفو قرار می‌گیرد.».

بود.

قانون ماده واحده عفو مجرمان سیاسی، مصوب ۱۳۲۷/۵/۲۶ درباره عفو مجرمان آشوب سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ استان آذربایجان و زنجان، نمونه‌ای از عفو عمومی است که مقرر می‌داشت:

کلیه اشخاصی که در غائله سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ در استان آذربایجان و شهرستان زنجان مرتکب جنحه و جنایت سیاسی یا جنحه و جنایت عادی مربوط به غائله مزبور شده‌اند (به‌استثنای مرتکبان قتل و غارت) و... از تعقیب و مجازات معاف می‌گردند.^۱

و) حضور هیئت‌منصفه در رسیدگی به جرائم سیاسی؛ (ماده ۸ قانون محاکمه وزرا)

همان‌گونه که گفته شد، برابر اصل هفتادونهم متمم قانون اساسی مشروطه، رسیدگی به جرائم سیاسی باید با حضور هیئت‌منصفه باشد و بر همین مطلب در باره جرائم سیاسی وزرا در قانون محاکمه وزرا مصوب ۱۶ و ۲۰ تیر ۱۳۰۷ تأکید شده بود. تبصره ماده ۸ این قانون مقرر می‌داشت: «در موارد تفصیلات سیاسی هیئت‌منصفه حضور خواهد داشت».

ز) علنی بودن دادگاه رسیدگی به جرائم سیاسی (اصل ۷۷ قانون

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۲۷، چاپ روزنامه رسمی کشور، صص ۱۰ و ۱۱.

(اساسی)

چنان‌که گذشت، اصل هفتاد و هفتم متمم قانون اساسی مشروطه مقرر می‌داشت چنانچه مصلحت اقتضا کند که رسیدگی به جرمی از جرائم سیاسی غیر علنی باشد، باید تمامی اعضای محکمه بر این نظر متفق باشند تا دادگاه غیر علنی تشکیل شود. مفهومش این است که اصل در محاکمات، از جمله در جرائم سیاسی، بر علنی بودن محاکمه است و غیر علنی بودن استثناست.

۲-۳. بی‌فایده بودن این امتیازات

ولی در این دوره باوجود امتیازهای قانونی مذکور برای مجرمان سیاسی، وجود این امتیازها با نبودش یکسان بود و با گذشت ایام، شیوه برخورد با مخالفان حکومت بدتر می‌شد؛ زیرا:

نخست اینکه باوجود تصریح قانون اساسی به رسیدگی جرائم سیاسی با حضور هیئت‌منصفه، هیچ‌گاه جرم سیاسی تعریف نشد تا مشخص شود کدام جرم سیاسی است و با حضور هیئت‌منصفه به آن رسیدگی شود یا مشمول دیگر امتیازها گردد.

دوم اینکه با تصویب قانون سازمان امنیت و اطلاعات کشور در سال ۱۳۲۶، رسیدگی به جرائمی که جنبه سیاسی داشت از صلاحیت محاکم دادگستری خارج شد و در قلمرو صلاحیت دادگاه‌های نظامی قرار گرفت. این تغییر صلاحیت، نقشی مهم در تضییع حقوق مجرمان سیاسی داشت.

د) تحول در وضعیت جرم سیاسی در نظام حقوقی ایران پس از انقلاب اسلامی

از سال ۱۲۸۵ که برای نخستین بار اصطلاح جرم سیاسی در قوانین ایران، در اصل ۷۷ و ۷۹ قانون اساسی مشروطه رایج شد تا سال ۱۳۹۵ که اولین قانون جرم سیاسی در ایران به تصویب رسید ۱۱۰ سال گذشت؛ لذا تصویب این قانون می‌تواند موجب تحولاتی در حقوق کیفری ایران به شمار آید که به اهم آنها اشاره می‌شود.

۱. تحول در حوزه دانش

پیرو تصریح اصل ۱۶۸ قانون اساسی و با پذیرش جرم سیاسی به عنوان جرمی جدای از جرائم عادی و در نظر گرفتن امتیازاتی برای آن و مکلف کردن قانون‌گذار عادی به اقداماتی در همین راستا، مباحثی از دهه هفتاد در جوامع علمی به راه افتاد. برخی مباحث فقهی چون جرم بغی که پیشینه دیرینی در فقه اسلامی دارد نیز بر اهمیت و ضرورت موضوع افزود. از این رو گردهم‌آیی‌ها و میزگردهایی نیز در این باره در مراکز آموزشی — پژوهشی برگزار شد و تحقیقاتی صورت گرفت و آثاری تولید شد.^۱ رهاورد این مباحث و تولیدات علمی، ارائه نظریاتی پیرامون جرم

۱. آثاری چون دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، سید محمد حسن مرعشی، فقه سیاسی، عباس‌علی عمید زنجانی، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، علیرضا فیض، جرم سیاسی عباس زراعت در ۱۳۷۷، بررسی تطبیقی جرم سیاسی، ←

سیاسی بر مبنای منابع اسلامی و جواز یا عدم جواز در پیش‌گرفتن واکنش افتراقی و ارفاقی نسبت به مجرمان سیاسی بود که زمینه مناسبی برای ارائه طرح‌ها و لوایح در راستای اجرایی کردن اصل ۱۶۸ قانون اساسی فراهم آورد.

۲. تحول در حوزه تقنین

۲-۱. تحول در قانون اساسی

با پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران، قانون اساسی جدید در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۲۴ به تصویب نهایی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی رسید که اصل ۱۶۸ آن ویژه جرائم سیاسی و مطبوعاتی است، این اصل مقرر می‌دارد:

قاعده درء و عسر و حرج، توسط سید محمد / صغری در ۱۳۷۸، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی توسط محمدرضا زینلی در ۱۳۷۸، جرم سیاسی توسط غلامرضا پیوندی، مطالعه تطبیقی جرم سیاسی توسط علی محمدی جورکویه در ۱۳۸۳ و رساله جرم سیاسی در حقوق جزای ایران، مطالعه تطبیقی آن (رساله دکترا) توسط محمدرضا / اسلامی در ۱۳۷۰ و ...

۱. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، مردم شکوهمندان در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به پای صندوق‌های رأی حاضر شدند و ۹۸/۲ شرکت کنندگان به نظام جمهوری اسلامی «آری» گفتند و پس از آن علیرغم تمامی مشکلات، امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب مصرانه تصویب قانون اساسی جدید را پی‌گیری کرد و در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۴ به دولت موقت فرمان داد تا متن پیش‌نویس قانون اساسی جدید را در اختیار مردم قرار دهد و مجلس خبرگان ملت را برای بررسی پیش‌نویس و تصویب نهایی آن تشکیل دهد.

«رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت‌منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت‌منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند». اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اصول ۷۷ و ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه از مزیت‌های زیر برخوردار است:

الف) اگرچه اصل ۷۷ متمم قانون اساسی مشروطه علنی بودن دادگاه رسیدگی به جرائم سیاسی را پیش‌بینی کرده بود، ولی پذیرفته بود در صورت مصلحت، محاکمه غیرعلنی برگزار شود؛ ولی اصل ۱۶۸ ق.ا.ج.ا.ا. به هیچ‌وجه اجازه نمی‌دهد که دادگاه رسیدگی به جرائم سیاسی غیرعلنی باشد؛ زیرا اگر در مواردی اقتضای مصلحت، برگزاری غیرعلنی دادگاه رسیدگی به جرائم سیاسی مجاز بود باید آن را بیان می‌کرد، همان‌گونه که این قید در اصل ۱۶۵ ق.ا.ج.ا.ا. - که درباره غیرعلنی بودن دادگاه رسیدگی به جرائم عادی است - آمده است.^۲

ب) برابر اصل ۱۶۸ ق.ا.ج.ا.ا. به جرائم سیاسی باید در محاکم دادگستری رسیدگی شود، در حالی که چنین مطلبی در اصل ۷۹ متمم قانون

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. اصل ۱۶۵:

«محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است؛ مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

اساسی مشروطه در نظر گرفته نشده بود. از این رو قانون‌گذار پیش از انقلاب توانسته بود در سال ۱۳۲۶ رسیدگی به جرائم دارای جنبه سیاسی را از صلاحیت محاکم دادگستری خارج کند و در صلاحیت محاکم نظامی قرار دهد که دادگاهی اختصاصی و مستقل از دادگستری بود.

ج) اصل ۱۶۸ ق.ا.ج.ا. قانون‌گذار عادی را موظف به تعیین نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیئت‌منصفه و تعریف جرم سیاسی می‌کند، ولی این مسئله در قانون اساسی مشروطه مسکوت گذاشته شده بود.^۱

۱. در متن اولیه اصل یک‌صد و شصت و هشتم که در جلسه علنی مجلس خبرگان مطرح شد نیز، لزوم تعریف جرم سیاسی توسط قانون عادی نیامده بود، زیرا این اصل مقرر می‌داشت:

«رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و باحضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد، شرایط و اختیارات هیئت منصفه و نحوه انتخاب آنان را بر اساس موازین اسلامی قانون معین می‌کند». از این رو مرحوم آیت الله ربانی شیرازی در اعتراض به تعریف نشدن جرم سیاسی می‌گوید:

«... این اصل سابق هم بود و هیچ نتیجه‌ای گرفته نشد و علتش این بود که جرایم سیاسی معلوم نشده بود چیست و این راهم چنانچه مثل سابق بخواهیم معلوم بکنیم، درست نیست».

نایب رییس مجلس در پاسخ وی می‌گوید:

«این رادر قانون اساسی نمی‌شود معین کرد، جرایم باید در قوانین کیفری گروه بندی شود و آنجا باید تعریف قانونی پیدا کند، حتی می‌توانیم این طور بنویسیم: نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند». به این ترتیب، لزوم تعریف جرم سیاسی توسط قانون عادی در اصل ۱۶۸ درج شد.



۲-۲. تحول در قانون عادی

با وجود تعریف‌نشدن جرم سیاسی در قوانین عادی تا سال ۱۳۹۵، بعضی قوانین به‌طور ضمنی به جرائم سیاسی اشاره کرده‌اند.

۲-۲-۱. اشاره به جرم سیاسی در قوانین

۱. ماده واحده لایحه قانونی رفع آثار محکومیت‌های سیاسی، مصوب ۷ فروردین ۱۳۵۸ که مقرر می‌دارد:

محکومیت‌های کلیه کسانی که به عنوان اتهام اقدام علیه امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت و ضدیت با سلطنت مشروطه و اتهامات سیاسی دیگر تا تاریخ ۵۷/۱۱/۱۶ به حکم قطعی محکوم شده‌اند کما لم یکن و ملغی الاثر تلقی می‌شود و کلیه آثار تبعی محکومیت‌های مزبور موقوف‌الاجرا خواهد بود.

۲. ماده ۱۵ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارت‌خانه‌ها و نهادهای دولتی و وابسته به دولت، مصوب ۱۳۶۰/۷/۵ باوجودی که موقتی بوده و منسوخ شده است. ماده ۱۵ این قانون مقرر می‌دارد:

جرائم سیاسی و نظامی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

....

قانون راجع به مجازات اسلامی

۳. تبصره ۱ ماده ۲۰ (قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب - اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸) مقرر داشته است:

رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدیدنظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور (دادگاه کیفری استان) نامیده می‌شود.
 ۴. ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ مقرر داشته است:

به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود:

... ث- جرائم سیاسی و مطبوعاتی

ماده ۳۰۵ قانون مذکور مقرر داشته است:

به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۳۵۲) این قانون به‌طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیئت‌منصفه رسیدگی می‌شود.

تبصره - احکام و ترتیبات هیئت‌منصفه، مطابق قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرائی آن است.

ماده ۴۲۸ قانون مذکور مقرر داشته است:

... آراء صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.

۵. ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر کرده است:

مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال، اعمال نمی‌شود.



۲-۲-۲. قانون جرم سیاسی

در این سال‌ها لوایح و طرح‌هایی برای اجرایی‌کردن اصل ۱۶۸ قانون اساسی به شرح زیر تهیه و ارائه گردید:

۱. لایحه قانونی تعریف جرم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن در محاکم دادگستری توسط کمیسیون حقوق بشر اسلامی؛
 ۲. لایحه قانونی جرائم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن توسط معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری در ۲۱ ماده؛
 ۳. طرح جرائم سیاسی (۱۳۸۰) توسط مجلس شورای اسلامی (دوره ششم مجلس) در ۲۳ ماده؛
- این طرح مشتمل بر بیست‌وسه ماده و چهارده تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ هشتم خردادماه یک هزار و سیصد و هشتاد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.
- اما در شورای نگهبان با ۱۸ اشکال مواجه شد و با اصرار مجلس شورای اسلامی بر نظر خود به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت و در دستور مجمع قرار گرفت. آنگاه که نوبت به آن رسید و در مجمع طرح شد، آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، رئیس وقت قوه قضائیه مطرح کردند ما در قوه قضائیه در حال تدوین پیش‌نویس قانون جرم سیاسی هستیم و با نظر اعضا، طرح مذکور از دستور خارج شد.
۴. پیش‌نویس قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵؛
- طرح اولیه این قانون در سال ۱۳۹۱ با ارائه چند پیش‌نویس توسط مرکز



پژوهش‌های مجلس، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه آغاز و پس از بحث و گفت‌وگوهای فراوان در ۶ ماده در ۱۳۹۵/۲/۲۹ به تصویب رسید.^۱

۱. ماده ۱- هر یک از جرائم مصرح در ماده ۲ این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضرب‌به‌زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.
ماده ۲- جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده ۱ این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف) توهین یا افترا به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به‌واسطه مسؤولیت آنان

ب) توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

پ) جرائم مندرج در بندهای (د) و (هـ) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷

ت) جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به‌استثنای مجریان و ناظران انتخابات

ث) نشر اکاذیب

ماده ۳- مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود:

الف) جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات

ب) سوءقصد به مقامات داخلی و خارجی

پ) آدم‌ربایی و گروگان‌گیری

ت) بمب‌گذاری و تهدید به آن، هواپیماربایی و راهزنی دریایی

- ث) سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی
- ج) حمل و نگهداری غیرقانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روانگردان
- چ) رشا و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی، پول‌شویی، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور
- ح) جاسوسی و افشای اسرار
- خ) تحریک مردم به تجزیه‌طلبی، جنگ و کشتار و درگیری
- د) اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به‌کار گرفته‌شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی
- ذ) کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده یا غیر آن
- ماده ۴- نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوط به هیئت‌منصفه مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ است.
- ماده ۵- تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادرسی یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادرسی و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند. مرجع رسیدگی‌کننده طی قراری در این مورد اظهار نظر می‌نماید. شیوه صدور و اعتراض به این قرار تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است.
- ماده ۶- موارد زیر نسبت به متهمان و محکومان جرائم سیاسی اعمال می‌شود:
- الف) مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی
- ب) ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس
- پ) ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم
- ت) غیرقابل استرداد بودن مجرمان سیاسی
- ث) ممنوعیت بازداشت و حبس به‌صورت انفرادی جز در مواردی که مقام قضائی بیم تباہی بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند لکن در هر حال مدت آن نباید بیش از پانزده روز باشد.
- ج) حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس
- چ) حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس
- قانون فوق مشتمل بر شش ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیستم اردیبهشت‌ماه یک هزار و سیصد و نودوپنج مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ

ه) نگاهی گذرا به قانون جرم سیاسی

۱. محتوای قانون جرم سیاسی

توضیح این مواد شش‌گانه به‌اختصار بدین شرح است:

۱. تعریف جرم سیاسی در ماده ۱ و شمارش عناوین مجرمانه‌ای که جرم سیاسی در آن قالب، قابلیت تحقق دارد در ماده ۲
۲. بیان موارد استثنا از قانون جرم سیاسی در ماده ۳
۳. تعیین دادگاه صالح رسیدگی به جرائم سیاسی در ماده ۴
۴. تعیین مرجع تشخیص سیاسی بودن اتهام در ماده ۵
۵. تعیین برخی امتیازات برای مجرمان سیاسی در ماده ۶

۲. اشکالات قانون جرم سیاسی

با اینکه تصویب این قانون گامی بزرگ در تاریخ قانون‌گذاری ایران است لیکن، اشکالاتی در آن به نظر می‌رسد که به شرح زیر است:

۱. در تقنین برای تفکیک جرم سیاسی از جرم عادی دو شیوه، مرسوم است: یکی احصای مصادیق جرم سیاسی و دوم ارائه ضابطه که هر یک مزایای و معایبی دارند؛ اما در مجموع مزایای روش دوم به جهت ثبات و دوام قانون و فراگیری، بیشتر است و در ارائه ضابطه نیز سه نظریه مهم

وجود دارد: نظریه ذهنی که تنها به انگیزه اتکا دارد و نظریه عینی که فقط به ماهیت عمل توجه دارد و نظریه مختلط که برای جلوگیری از سوءاستفاده از این قانون، به انگیزه و ماهیت عمل توأمان، نظر دارد.

لیکن در ماده ۱ و ۲ طرح، هر دو شیوه (احصا و ارائه ضابطه) به کار رفته است و این امر موجب شده است تا مزایا و کارآیی ضابطه ارائه شده در ماده ۱ توسط مصادیق احصاشده در ماده ۲ از دست برود.

۲. در ضابطه ارائه شده در ماده ۱ طرح نیز ابهامات و نقایصی وجود دارد، از جمله:

۱- ۲. عبارت «بدون اینکه مرتکب، قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد» مبهم است و تاب تفاسیر مختلفی دارد و می تواند موجب تضییع حقوق متهم گردد. به عنوان مثال فردی یا گروهی بر اساس برداشت های علمی خود از آموزه های اسلامی اعتقاد به حکومت اسلامی دارد نه جمهوری اسلامی و برای عملی ساختن اعتقاد خود، برخلاف مقررات جاری، اقدام به اعمالی از قبیل راهپیمایی می کند؛ اگر این عمل جرم باشد، باید جرم سیاسی باشد یا عادی؟ عبارت مذکور در ماده یک این ظرفیت را دارد که قاضی آن را ضربه زدن به اصل نظام تلقی کرده و جرم عادی بداند؛ در حالی که این عمل یکی از بارزترین مصادیق جرم سیاسی است.

۲- ۲. در ماده ۱ به جرائم علیه حقوق و آزادی های سیاسی و قانونی شهروندان توجه نشده است؛ در حالی که برخی از این جرائم به طور قطع جرم سیاسی هستند. همان طور در بند (ت) ماده ۲ طرح به جرائم انتخاباتی

تصریح شده و برخی از این جرائم، جرائم علیه حقوق و آزادی‌های سیاسی و قانونی شهروندان است. چنان‌که در ماده پیشنهادی کمیسیون فرهنگی آمده است.

لذا متن زیر به جای ماده ۱، ضمن حذف ماده ۲ پیشنهاد می‌گردد:
 رفتار مجرمانه‌ای که با انگیزه سیاسی علیه حاکمیت، یا حکومت یا حقوق و آزادی‌های سیاسی و قانونی شهروندان انجام شود، جرم سیاسی محسوب می‌شود.

توضیح: لازم است در مورد «انگیزه سیاسی» نکاتی یادآوری شود:
 الف) انگیزه سیاسی، ملاکی است که جرم سیاسی را از سایر جرائم از لحاظ ذهنی جدا می‌سازد. انگیزه سیاسی بیانگر انگیزه‌ای شرافتمندانه است که انگیزه‌های پست و شخصی را مستثنا می‌سازد.

ب) از آنجا که انگیزه، امری مستور در باطن هر فرد است؛ در اینجا نیز همانند سایر جرائم مندرج در قوانین موضوعه، احراز انگیزه و قصد در نتیجه تحقیقات مقدماتی و مراحل بازپرسی، قابل استنباط و احراز است. همان‌طور که در مواد ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵)، «اقدام با هدف بر هم زدن امنیت کشور» و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵)، «قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی» را ملاک قرار داده و «هدف» و «قصد» یادشده همانند «انگیزه سیاسی» امری مستور در باطن فرد است، در اینجا نیز با توجه به سوابق اجرایی و قانون‌گذاری، احراز «انگیزه سیاسی» امری عادی در هر



نظام قضایی است و نمونه‌های فراوانی در حقوق داخلی برای آن وجود دارد. در نتیجه «احراز» انگیزه سیاسی در این مورد، امری مبهم و دست‌نیافتنی نیست.

پ) از آنجا که با اثبات انگیزه سیاسی، نفعی برای متهم متصور می‌شود، تلاش برای اثبات انگیزه سیاسی توسط خود متهم و وکیل او صورت می‌گیرد. از این رو این مسئله برای قاضی مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند و قاضی تنها از میان قرائن، شواهد و تحقیقات پیش روی خود، وجود یا فقدان انگیزه سیاسی را احراز می‌نماید.

۳. بند الف ماده ۳ نیازی به ذکر ندارد و پیشنهاد حذف آن داده می‌شود. زیرا با توجه به ضابطه ارائه‌شده در ماده ۱، جرائم مذکور در بند الف تخصصاً از ضابطه مذکور خارج است و نیازی به استثنا ندارد.

و) جایگاه جرم سیاسی در فقه امامیه

یکی از عناوین مجرمانه‌ای که همواره در فقه کیفری اسلام مورد بحث بوده، بغی است. از آنجا که جرم بغی جرمی ضد حاکمیت است و از این جهت قرابتی با جرم سیاسی دارد، قابل بررسی است.

۱. تعریف بغی

فقها با عبارتهای نزدیک به هم، بغی یا باغی را تعریف کرده‌اند که برخی از آنها را بیان می‌کنیم:

شیخ طوسی در تعریف باغی می‌فرماید: باغی کسی است که بر ضد امام عادل قیام کند و بیعت خود را با او بشکند و با احکام او به مخالفت بپردازد. (الطوسی، النهایه و نکته‌ها، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۱). شهید ثانی در تعریف باغی می‌فرماید: باغی در عرف فقها عبارت است از خروج از اطاعت امام با شرایطی که بیان خواهد شد (العاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۹۱).

با وجود تفاوت اندک تعریف‌ها با یکدیگر، اختلاف اساسی در آنان مشاهده نمی‌شود؛ زیرا برخی تعریف را به اختصار بیان کرده‌اند و بعضی شرایط را مانند عادل بودن امام، به مباحث بعدی سپرده‌اند و عده‌ای نیز آن را در تعریف آورده‌اند. بنابراین، اختلاف اساسی میان تعریف‌های ارائه‌شده از سوی فقها وجود ندارد و همه پذیرفته‌اند که باغی عبارت است از خروج از اطاعت امام عادل.

۲. شروط جرم باغی

فقها قیود و شروطی را برای جرم باغی بیان کرده‌اند:

۲-۱. خروج

یکی از ارکان تعریف باغی، «خروج» است که در بیش‌تر تعریف‌ها آمده است، ولی درباره معنای این واژه تفسیرهای متفاوتی ارائه شده است. به نظر می‌رسد که این تعریف‌ها بیش‌تر در تعبیر با هم اختلاف دارند تا در محتوا. از این رو می‌توان گفت خروج عبارت است از: قیام (شورش)



مسلحانه ضد حاکم اسلامی با گردآمدن در منطقه‌ای و خارج کردن آن از سلطه او. بنابراین، با وجود قید «خروج» در تعریف جرم بغی، هیچ منتقد و حتی مخالف رژیم سیاسی حاکم تا زمانی که دست به قیام مسلحانه به شکل گفته‌شده نزنند، باغی به شمار نمی‌آید.

۲-۲. تأویل

یکی از شروط مهم و اساسی برای تحقق جرم بغی که بیش‌تر فقهای شیعه (ر. ک: الطوسی، المبسوط، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۲۶۵/ الحلی، تحریر الاحکام، [بی‌تا]، ج ۱۲، ص ۱۵۵/ الحلی، السرائر، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۵/ العاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۹۲ و...) و سنی (ر. ک: ابن‌قدامه، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۴۹/ السرخسی، ۴۴۰ ق، ج ۱۰، ص ۱۳۴/ النووی، [بی‌تا]، ج ۱۹، ص ۱۹۵/ الاندلسی، [بی‌تا]، ج ۱۱، ص ۹۷) آن را در بحث «بغی» آورده‌اند، «تأویل» است. توضیح اینکه زمانی قیام مخالفان حاکم اسلامی، بغی است که بر اساس «تأویل» باشد؛ یعنی قیام‌کنندگان دلیل و مجوز شرعی برای اقدام خود داشته باشند و به عبارت دیگر، با برداشتی هرچند نادرست از دین، وظیفه خود را قیام بدانند. البته هر شبهه و بهانه بی‌اساس و دروغین نمی‌تواند مصداق «تأویل» باشد، بلکه شبهه یا سبب قیام باید موجه و منطقی به نظر برسد. از این رو فقها تعبیر «تأویل سائغ عندهم»

۱. البته از میان مذاهب اهل سنت، فقط مذهب مالکی این شرط را لازم نمی‌داند (التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، ص ۶۸۳).

ر. ک: الطوسی، المبسوط، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۲۶۵ / الحلی، السرائر، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۵؛ الحلی / تذکره الفقهاء، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۵۴ / العاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۹۲ / ابن قدامه، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۴۹) و «تأویل شایع» (ر. ک: النووی، [بی‌تا]، ج ۱۹، ص ۱۹۷)، «شبهه غیر معذور» (کاشف الغطاء، [بی‌تا]، ص ۴۰۴) و مانند آن را به کار برده‌اند. لذا حضرت علی (ع) در تفکیک بین این مجرمین و دیگران فرموده است: فَلَيْسَ مَنْ طَلَبَ الْحَقَّ فَأَخْطَاهُ كَمَنْ طَلَبَ الْبَاطِلَ فَأَدْرَكَهُ (فیض الاسلام، [بی‌تا]، ص ۱۵۰).

۲-۳. کثرت و شوکت

یکی از شروط لازم برای تحقق جرم بغی «کثرت و شوکت» است. ولی همه فقها این شرط را نمی‌پذیرند. مراد از کثرت و شوکت این است که تعداد نفرات و قدرت مقاومت قیام‌کنندگان باید به اندازه‌ای باشد که دولت اسلامی برای مقابله با آنها نیازمند اعزام نیروی جنگی فوق‌العاده باشد.

۲-۴. مسلمان بودن قیام‌کنندگان

از دیگر شرایط جرم بغی، این است که قیام‌کنندگان، مسلمان باشند؛ یعنی برای استقرار و پیاده کردن اسلام راستین -از دیدگاه خود- قیام کرده باشند.

۲-۵. اسلامی بودن حکومت

یکی از شروط مورد توافق اجمالی فقهای شیعه و سنی برای تحقق جرم بغی، این است که نظام سیاسی حاکم — که مورد تجاوز قرار می‌گیرد - حکومت اسلامی باشد.

بر اساس شرطهای مذکور، می‌توان گفت: بغی عبارت است از: قیام مسلحانه گروهی مسلمان دارای کثرت و قدرت ضد حکومت مشروع اسلامی، بر اساس برداشتی از دین. بنابر این در یک تعریف مختصر می‌توان گفت: بغی، جرمی است ضد نظام سیاسی حاکم.

۳. مقایسه بغی با جرم سیاسی

صاحب نظران درباره نسبت جرم سیاسی — که در حقوق عرفی مطرح است - با جرم بغی - که در فقه مورد بحث است - به خاطر برخی تفاوت‌ها و شباهت‌های میان آن دو، اختلاف دارند.

۳-۱. شباهت‌های بغی با جرم سیاسی

الف) انگیزه غیرشخصی: یکی از شروط مورد اتفاق فقها برای تحقق جرم بغی، «تأویل» است؛ یعنی بغات باید بر اساس نوعی برداشت از اسلام، عملکرد حاکم اسلامی را خلاف احکام اسلام بدانند و به انگیزه برقراری حکومت اسلام اصیل و نه برای امور شخصی و ایجاد فساد و قدرت‌طلبی قیام کنند. این شرط با انگیزه سیاسی و شرافتمندانه و دور از

قدرت‌طلبی و انتقام‌جویی شخصی که در تحقق جرم سیاسی و برقراری «رژیم ارفاقی» درباره آن مطرح است، شباهت بسیار دارد.

ب) برخورداری از رژیم ارفاقی: در حقوق عرفی، مجرمان سیاسی به دلیل داشتن انگیزه سیاسی و شرافتمندانه، از رژیم ارفاقی برخوردارند و نسبت به مجرمان عادی دارای امتیازهایی هستند. بغات نیز در حقوق کیفری اسلام نسبت به دیگر مجرمان از رژیم ارفاقی بهره می‌برند. برای نمونه، از نظر حقوق جزایی اسلام، مجازات مرتکب قتل عمد «قصاص» است، ولی اگر باغی در جریان بغی مرتکب قتل شود، پس از پایان جنگ محکوم به قصاص نمی‌شود. بنابراین، بغات و مجرمان سیاسی در برخورداری از رژیم ارفاقی نیز مشترک هستند. البته ممکن است این دو نوع رژیم ارفاقی در جزییات با هم اختلاف داشته باشند، ولی در برخورداری از رژیم خاص کیفری بغات و مجرمان سیاسی با هم اشتراک دارند.

۲-۳. تفاوت‌های بغی با جرم سیاسی

از موارد زیر می‌توان به عنوان تفاوت جرم بغی و جرم سیاسی یاد کرد:
الف) کثرت و شوکت: کثرت و شوکت از شروط تحقق جرم بغی است؛ یعنی بغات باید دارای کثرت افراد و قدرت مقابله باشند. از این رو تحقق بغی به صورت انفرادی و یا با چند نفر امکان ندارد. در حالی که در تحقق جرم سیاسی چنین شرطی وجود ندارد و یک نفر هم می‌تواند به آن اقدام کند. این شرط برابر نظر بسیاری از فقهاست؛ اگرچه برخی با آن مخالفت

کرده‌اند.

ب) قیام مسلحانه: قیام مسلحانه بر ضد امام از شروط تحقق جرم بغی است؛ در صورتی که جرم سیاسی بدون قیام مسلحانه، قابل تحقق است.

ج) دولت مورد تجاوز: جرم بغی وقتی محقق می‌شود که قیام بر ضد حکومت عدل اسلامی واقع شود؛ ولی در تحقق جرم سیاسی از نظر حقوق عرفی، میان حکومت اسلامی و غیر اسلامی یا مشروع دینی و غیر مشروع، فرقی نیست.

د) دین مجرم: از نظر فقه شیعه فقط مسلمان، مرتکب جرم بغی می‌شود و اگر جرمی با تمامی ویژگی‌های یادشده در بغی، از سوی غیرمسلمان انجام شود، بغی نخواهد بود. در حالی که از نظر حقوق موضوعه، سیاسی بودن جرم ارتباطی با دین مجرم ندارد.

البته وجود هیچ کدام از این شرایط با تحقق جرم سیاسی منافات ندارد و به بیان دیگر، وجود هیچ کدام از موارد به اصطلاح اختلافی، موجب خروج جرم ارتكابی از دایره جرم سیاسی نمی‌شود. لذا چنانچه جرم سیاسی را مساوی با بغی بدانیم، تفاوت‌های یادشده، ادعای تساوی را مخدوش جلوه می‌دهند. ولی اگر جرم بغی را تنها مصداقی از جرم سیاسی بدانیم، تفاوت‌های یادشده مضر نخواهند بود.

۳-۳. نسبت میان بغی و جرم سیاسی

درباره نسبت میان این دو، سه نظریه یا احتمال وجود دارد: تساوی،

تباین و عموم و خصوص مطلق.

۱. نظری تساوی: برخی از حقوق‌دانان بر این باورند جرم سیاسی که یکی از دستاوردهای حقوق موضوعه در قرن نوزدهم میلادی است، چیزی جز بغی نیست که اسلام در قوانین جزایی خود به آن توجه داشته و مقرراتی ویژه درباره آن وضع کرده است.

۲. نظریه تباین: بعضی مدعی‌اند بغی نه تنها مترادف با جرم سیاسی نیست، بلکه حتی مصداقی از آن هم نیست و تفاوت‌های میان آن دو، دلیل این ادعاست. افزون بر آن، عدم تعیین مجازات بغی، دلیلی قاطع بر جرم نبودن بغی به معنای اصطلاحی آن است؛ در صورتی که اگر بغی جرم بود، بی‌گمان برای آن مجازات تعیین می‌شد. پس بغی به هیچ وجه جرم مصطلح نیست تا جرم سیاسی باشد؛ زیرا اگر بغی جرم باشد، پس از دستگیری باغی، باید او را مجازات کرد؛ در حالی که هیچ دلیلی بر آن نیست. از این رو، بغی تنها یک عمل ممنوع به شمار می‌آید که ممکن است عذاب آخرتی داشته باشد و نیروهای دولتی موظف به جنگ با بغات هستند. همچنین طرح بحث بغات توسط فقها در کتاب جهاد (نه کتاب حدود، قصاص، دیات یا تعزیرات حتی قضا یا شهادت) دلیل بر عدم ارتباط آن با جرم و مجازات است و همان گونه که در جهاد با کافران بحثی از جرم و مجازات نیست و کفار و مشرکان پس از دستگیری مجازات نمی‌شوند، بغی نیز چنین است. بنابراین، بغی نه تنها مترادف جرم سیاسی نیست، بلکه حتی نمی‌تواند مصداقی از آن نیز باشد (ر. ک: زینلی، ۱۳۷۸، صص ۲۰۳ و

(۲۰۹).

۳. نظریه عموم و خصوص مطلق: بر اساس این نظریه، رابطه میان بغی و جرم سیاسی رابطه میان جزئی و کلی است و بغی تنها یکی از مصادیق جرم سیاسی است.

از میان دیدگاه‌های سه‌گانه، نظریه سوم به واقعیت نزدیکتر است؛ زیرا وجوه اختلاف یادشده هرچند بیانگر عدم تطابق کامل میان آن دو است، ولی نسبت عموم و خصوص مطلق میان آنها را نفی نمی‌کند. با این توضیح که جرم بغی، شروط اصلی جرم سیاسی که عبارت است از انگیزه سیاسی و ضد رژیم سیاسی حاکم بودن— را دارد، ولی چون مصداقی خاص از آن است، شروطی اضافی نیز دارد. بدین ترتیب اشکالی ندارد که جرم سیاسی در یک جامعه خاص و دینی، دارای ویژگی‌های خاصی باشد. مگر در تعریف و شروط دیگر جرائم برای نمونه قتل عمد- قوانین جامعه اسلامی با قوانین دیگر جوامع هماهنگی کامل دارد؟ بنابراین جرم سیاسی منحصر به جرم بغی نیست و می‌تواند مصادیق دیگری نیز داشته باشد که در آنها هیچ کدام از این شروط اضافی وجود ندارد.

از تعریف ماهیت جرم بغی به عنوان یکی از مصادیق جرم سیاسی دانسته می‌شود که فقه اسلامی از میان دیدگاه‌های ارائه‌شده در حقوق موضوعه برای تشخیص جرم سیاسی، بیش‌تر با نظریه تلفیقی سازگاری دارد؛ یعنی مجرم، علاوه بر اینکه باید انگیزه سیاسی و غیرشخصی داشته باشد، هم تعرض او هم باید مستقیماً متوجه رژیم سیاسی شود. لذا

جرمانگاری و کیفرگذاری در این حوزه (فراتر از جرم بغی) باید با الگوگیری از جرم بغی صورت گیرد.

نتیجه

از بین نظریاتی که برای تعریف جرم سیاسی ارائه گردید نظریه تلفیقی به لحاظ داشتن جامعیت و مانعیت نسبی از دیگر نظریات به واقع نزدیکتر است. پیش انقلاب اسلامی علی‌رغم شناسایی جرم سیاسی در قانون اساسی و در نظر گرفتن امتیازاتی برای مجرمین سیاسی در قوانین عادی، به دلیل خلأهای موجود و عدم تعریف جرم سیاسی، فایده‌ای بر این شناسایی و در نظر گرفتن امتیازات مترتب نگردید. اما پس از انقلاب اسلامی، با تدبیر خبرگان قانون اساسی، نقایص و خلأهای پیشین رفع گردید و با تصویب قانون جرم سیاسی، گامی مهم در عملیاتی کردن برخورد ارفاقی با مجرمین سیاسی برداشته شد.

بحث از جرم بغی در فقه کیفری اسلام و برخورد ویژه با آن به معنای به رسمیت شناختن جرم سیاسی و تفکیک آن از جرائم عادی است و وجود دو عنصر «ضد حاکمیت بودن» و «شرط تأویل» در آن، سبب برقراری رابطه عموم و خصوص مطلق بین بغی و جرم سیاسی است.

منابع

۱. ابن قدامه، عبدالرحمن؛ الشرح الكبير؛ [بی‌جا]: دارالکتب العلمیه، [بی‌تا].
۲. الاندلسی، ابن حزم؛ المحلی؛ [بی‌جا]: دارالجلیل، [بی‌تا].
۳. الحلّی، الحسن بن یوسف؛ تحریر الاحکام؛ [بی‌جا]: مؤسسه آل‌البیت، [بی‌تا].
۴. الحلّی، الحسن بن یوسف؛ تذکرة الفقهاء؛ [بی‌جا]: المکتبه المرتضویه، [بی‌تا].
۵. الحلّی، محمدبن ادريس؛ السرائر؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، [بی‌تا].
۶. زینلی، محمدرضا؛ جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی؛ چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۷. السرخسی، شمس‌الدین؛ المبسوط؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۴۰ ق.
۸. الطوسی، محمد بن الحسن؛ المبسوط فی فقه الامامیه؛ [بی‌جا]، المکتبه المرتضویه، [بی‌تا].
۹. الطوسی، محمد بن الحسن؛ النهایه و نکتها؛ ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، [بی‌تا].
۱۰. العاملی، زین‌الدین بن علی؛ مسالک الافهام؛ چ ۱، قم: مؤسسه

- المعارف الاسلاميه، ١٤١٤ ق.
١١. عوده، عبدالقادر؛ التشريع الجنائي الاسلامي؛ بيروت: دارالكتاب العربي، [بي تا].
١٢. الفاضل، محمد؛ محاضرات في الجرائم السياسية؛ [بي جا]، دار الجليل، ١٩٦٢ م.
١٣. فيض الاسلام، سيد علي نقى؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ تهران: انتشارات فقيه، ١٣٧٩.
١٤. كاشف الغطاء جعفر؛ كشف الغطاء؛ [بي جا]، [بي نا]، [بي تا].
١٥. النووي، محيي الدين بن شرف؛ المجموع في شرح المهذب؛ ج ١٩، بيروت: دارالفكر، [بي تا].